



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲ اسفند ۱۴۰۱

موضوع کلی: فقه رمز ارزها

مصادف با: ۳۰ رجب ۱۴۴۴

موضوع جزئی: بررسی قهقی -۱. استخراج - ادله حرمت استخراج - دلیل دوم و بررسی آن

جلسه: ۳۳

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در ادله حرمت استخراج رمز ارزها بود؛ یک دلیل بر حرمت استخراج ذکر شد و مورد اشکال قرار گرفت. تأکیداً و جهت یادآوری عرض می‌کنم که بحث در حکم استخراج به عنوان اولی است؛ اینکه از جهت حکم ثانوی چه اقتضائی وجود دارد، این را بعداً متعرض خواهیم شد.

دلیل دوم

دلیل دوم بر حرمت استخراج، قیاسی است متشکل از دو مقدمه؛ یک کبری و صغری.

مقدمه اول: استخراج رمز ارز قمار محسوب می‌شود.

مقدمه دوم: کبری هم معلوم است، قمار حرام است.

نتیجه: استخراج رمز ارز حرام است.

در کبری بحثی نیست و نیازی به اثبات ندارد؛ حرمت قمار اظهر من الشمس است. البته حکم وضعی مایستفاد بالقمار یک بحثی دارد؛ همانطور که در دلیل اول موضوع سخن حکم تکلیفی بود، اینجا هم فعلاً حکم تکلیفی مورد نظر است. البته در دلیل اول که حرمت استخراج رمز ارز مطرح شد به عنوان اینکه این از شئون حاکمیت است، رمز ارز در واقع مصداقی است از مصادیق انتشار پول مثل ضرب سکه و درهم و دینار، آنجا مستدلین درباره حکم وضعی چیزی نگفته‌اند و فقط از نظر تکلیفی گفته‌اند این کار حرام است. اما ما گفتیم اصل انحصار این امر در حاکم و حکومت محل اشکال است، لذا حرمت شرعی از آن جهت ثابت نیست؛ لذا وضعاً هم حکمش روشن است. یعنی کسی که رمز ارز استخراج می‌کند، می‌تواند مالک شود، از حیث دلیل اول.

اثبات صغری

اینجا می‌فرماید استخراج رمز ارز قمار محسوب می‌شود؛ ما فعلاً حکم تکلیفی این را می‌خواهیم بحث کنیم. ببینیم آیا می‌توان فتوا به حرمت استخراج رمز ارز داد تکلیفاً از باب اینکه این یک مصداقی از مصادیق قمار است. کسانی که به این دلیل استدلال کرده‌اند و طیفی از عالمان اهل سنت را شامل می‌شود و همچنین برخی از علمای شیعه یا نویسندگان شیعه، این را قمار می‌دانند؛ یعنی از نظر صغروی می‌گویند این قمار است؛ تکلیف کبری هم معلوم است. حالا چرا قمار است؟ بیان اینها برای قمار بودن استخراج رمز ارز چیست؟

اینجا البته بیان‌های مختلفی ذکر شده تا عنوان قمار بر این عمل منطبق شود. مثلاً برخی از عالمان اهل سنت می‌گویند چون این

کار دارای ریسک است یا به تعبیر دیگر مبتنی بر شانس است، ممکن است نتیجه بدهد و ممکن است نتیجه ندهد، و این یکی از ویژگی‌های قمار است. چون در قمار کسی پولی را می‌دهد که در مقابل آن یک چیز مجهول و نامشخص است؛ یعنی معلوم نیست که در مقابل این پول چه عوضی قرار می‌گیرد یا این پولی که خرج می‌کند، آیا اصولاً برگشت دارد یا نه. اگر این شخص پولی برای استخراج سرمایه‌گذاری می‌کند، باید به نحو قطعی مثلاً فلان مبلغ رمز ارز نصیب او بشود. در حالی که در رمز ارز و استخراج آن این امر اتفاق نمی‌افتد. استخراج رمز ارز نیازمند سرمایه‌گذاری است؛ استخراج یک قدمتی دارد و دستگاه‌هایی باید خریداری شود؛ از یک ماینر گرفته — که البته الان بعید است کسی با یک ماینر در این عرصه فعالیت کند — تا مزارع و استخراج‌های استخراج یا به تعبیر دیگر معدن‌کاوی؛ بالاخره باید یک پولی بدهد این ماینرها را بخرد. در کنار آن، انرژی فراوانی که مصرف می‌کند و این هم هزینه دارد؛ بالاخره اینها همه از شئون استخراج است؛ استخراج بدون این دستگاه‌ها ممکن نیست. برای همین جهت ما بحث مستقلاً راجع به مقدمات استخراج نمی‌کنیم؛ چون در مورد مقدمات استخراج هم جای این بحث وجود دارد. مثلاً اگر کسی استخراج را حرام بداند، آنگاه خرید و فروش ماینرها چه حکمی دارد؟ چون اینها ابزار استخراج است. اگر ما استخراج رمز ارز را مصداق قمار بدانیم، قهراً خرید و فروش دستگاه‌هایی که با آنها این کار صورت می‌گیرد، خرید و فروش ابزار و آلات قمار محسوب می‌شود و قهراً آنجا هم حکم حرمت باید داده شود. ما فعلاً راجع به عملیات استخراج به صورت کلی بحث می‌کنیم و البته این موضوع کلی شعب و شاخه‌ها و فروعی دارد که در ذیل این موضوع کلی آنها هم قابل بررسی است. مثل همین خرید و فروش ماینرها؛ فرض کنید کسی نخواهد استخراج کند، آیا خرید و فروش ماینر جایز است یا نه؟ نمی‌خواهد خودش استخراج کند، اما محلی دارد که این دستگاه‌ها را به دیگران عرضه می‌کند. حالا نمی‌خواهیم قیاس کنیم، اما مثل اینکه کسی خودش شراب نمی‌خورد، اما بخواهد شراب بفروشد؛ یا کسی ابزار آلات قمار را بفروشد — غیر از این مورد — این چیزی که الان متعارف است یا در گذشته متعارف بود که بعضاً ابزار آلات قمار را خرید و فروش می‌کردند؛ حالا این یک مسأله دیگر است.

به هر حال می‌گویند چون این کار دارای ریسک و مبتنی بر شانس است و ممکن است نتیجه بدهد، یعنی این سرمایه‌گذاری که او کرده یک عائدی برای او داشته باشد و سودی برای او تحصیل کند و ممکن است سودی هم تحصیل نشود. اینکه می‌گوییم سود تحصیل نشود، یعنی یک سود قابل توجه؛ چون به هر حال هر کسی که وارد می‌شود در این مسأله و تلاش می‌کند آن معمای پیچیده را حل کند و پاسخ معادلات ریاضی را کشف کند، مختصر جایزه‌ای به او داده می‌شود ولی ناچیز است؛ جایزه اصلی برای کسی است که زودتر از سایرین به نتیجه برسد. اینها می‌گویند قمار کلاً همین است؛ قمار معلق بر ریسک، خطر و شانس است و گاهی منتج هست و واقع می‌شود و گاهی واقع نمی‌شود. پس ویژگی مهم قمار در اینجا وجود دارد و این دارد در برابر یک چیز مجهول و غیرمعلوم الحصول هزینه می‌کند؛ بنابراین قمار محسوب می‌شود. این بیانی است که برخی ذکر کرده‌اند.

بیان‌های دیگری هم برای اثبات صغری گفته شده یا ممکن است گفته شود؛ اینکه مثلاً اگر هیچ هزینه‌ای هم نکند، بالاخره یک کاری انجام می‌دهد که در مقابل آن، پول یا مالی بدست می‌آورد، در حالی که هیچ تلاشی برای آن نکرده است. مسأله قمار به عنوان اکل مال به باطل مطرح است؛ گرچه خود عنوان اکل مال به باطل یک دلیل مستقل در مورد استخراج است. این محصل

دلیل این آقایان است.

سؤال:

استاد: بعضی‌ها می‌گویند چون هیچ کاری نکرده این اکل مال به باطل است و هیچ هزینه‌ای نکرده و کار خاصی انجام نداده. به هر حال عمده بحث حول این صغری است؛ کسانی که به این دلیل استدلال کرده‌اند، طبیعتاً صغری را پذیرفته‌اند. کبری بحثی ندارد و روشن است. باید ببینیم در مورد صغری آیا واقعاً استخراج رمز ارز قمار محسوب می‌شود یا نه.

سؤال:

استاد: در مورد بورس هم برخی اشکال می‌کنند، یا همین مثلاً جوایزی که بانک‌ها می‌دهند برای سپرده گذاشتن، برخی اشکال کرده‌اند؛ به هر حال اینها وجه صحیحی برای اینها تنظیم کرده‌اند.

بررسی دلیل دوم

آیا استخراج واقعاً مصداق قمار محسوب می‌شود؟ در مورد قمار بحث زیاد است و ما نمی‌خواهیم وارد بحث‌های مربوط به قمار هم از نظر مفهومی و موضوعی و هم از نظر حکمی و ادله آن شویم. اینکه اساساً موضوعاً قمار چیست؛ خود این محل اختلاف است. مقومات قمار چیست، آن مؤلفه‌هایی که قمار به آن تحقق پیدا می‌کند کدام است. در مورد دلایل آن اختلاف است؛ برخی از ادله مورد پذیرش قرار گرفته و برخی نه. ما کاری به معنای لغوی قمار هم نداریم؛ چون عمده معنای اصطلاحی آن است که فی الواقع برگرفته از معنای لغوی است. بین معنای لغوی و اصطلاحی هم چندان فرقی نیست. خود لغویین قمار را معنا کرده‌اند با تفاوت‌هایی که بین اینها وجود دارد. مثلاً برخی از لغویین می‌گویند قمار یعنی شرط‌بندی؛ بعضی‌ها می‌گویند قمار هر بازی است که در آن همراهی وجود داشته باشد؛ در لسان العرب اینطور معنا کرده است.^۱ یا مثلاً در تاج العروس می‌گوید در قمار برد و باخت شرط است و بدون برد و باخت قمار تحقق پیدا نمی‌کند. برد و باخت که می‌گوییم، نه یعنی غالب و مغلوب شدن؛ در بازی فوتبال هم یک تیم می‌برد و یک تیم می‌بازد. برد و باخت به معنای برنده و بازنده شدن نیست، غلبه پیدا کردن نیست؛ برد و باخت در واقع یعنی آن چیزی که به عنوان گرو گذاشته شده، به ازای برد دریافت شود. لذا گرو و وثیقه در قمار شرطیت دارد. برخی لغویین گفته‌اند قمار آن بازی است که برنده یک چیزی را از بازنده بگیرد؛ صرف غلبه ملاک نیست، آن چیزی که به برنده داده می‌شود اهمیت دارد.

در اصطلاح هم اختلاف زیاد است که قمار به چه چیزی تحقق پیدا می‌کند. صاحب جواهر، شیخ انصاری، محقق اردبیلی، محقق کرکی، اینها همه یک خصوصیتی را برای قمار ذکر کرده‌اند و البته بین آقایان در تعریف قمار اختلاف است. بعضی مثل محقق اردبیلی دایره را آنقدر وسیع کرده‌اند که می‌گویند قمار عبارت است از بازی با آلات رایج قمار، مثل نرد و شطرنج.^۲ اینقدر این دایره را وسیع کرده که نفس بازی کردن با آلات قمار، به نظر ایشان قمار محسوب می‌شود. شهید ثانی در مسالک تقریباً همین را فرموده است.^۳ اینجا اصلاً کاری به مسأله پول و گرو و وثیقه ندارند، بلکه بازی با آلات قمار را به عنوان قمار می‌شناسند. یعنی این رکن، بازی با آلات قمار برای اینها کافی است؛ پس بازی بودن و آلت قمار بودن، این دو باید تحقق پیدا

۱. لسان العرب، ج ۵، ص ۱۱۵.

۲. مجمع الفائدة، ج ۸، ص ۴۱.

۳. مسالک، ج ۳، ص ۱۲۲.

کند. لکن برخی مسأله گرو و وثیقه را ضمیمه کرده‌اند؛ یعنی وثیقه گذاشتن و گرو نهادن بر بازی با آلات قمار؛ اینجا یک عنصر اضافه شده، وثیقه و گرو. فرقی هم نمی‌کند با هر وسیله‌ای این کار انجام شود. صاحب جواهر به هر دو تعریف قمار اشاره کرده است؛ یکی بازی با آلات قمار با وثیقه و گرو که خود ایشان هم تقریباً همین معنا را پذیرفته است. دیگری هم بازی با آلات قمار اعم از اینکه گرو و وثیقه باشد یا مطلق بازی به عنوان قمار.

برخی از بزرگان مثل مرحوم آقای خویی یا امام(ره) هم تقریباً همین را گفته‌اند. مرحوم آقای خویی معتقد است قمار عبارت است از بازی با آلات قمار همراه با گرو و البته در برخی موارد حتی اگر وثیقه نباشد را قمار می‌داند؛ حداقل از نظر حکمی می‌گوید اینها قمار هستند.^۱ امام هم در مکاسب محرمة می‌فرماید قدر متیقن از قمار بازی با آلات قمار به شرط بودن گرو است؛ می‌گوید این قدر متیقن است، اما اگر وثیقه نباشد در برخی موارد قمار هست و بعضی موارد قمار نیست.

با توجه به آنچه عرض کردیم، می‌توانیم بگوییم قمار مبتنی بر چند پایه است؛ یعنی این مؤلفه‌ها باید باشد تا صدق عنوان قمار کند و حکم حرمت شامل آن شود. آن چیزی که تقریباً مورد وفاق همگان است، این است که با آلات قمار کسی بازی کند و گرو و وثیقه هم باشد؛ یعنی مثلاً چند نفر با وسیله‌ای بازی کنند و پولی هم وسط بگذارند و بگویند هر کسی برنده شد، این پول متعلق به اوست؛ این می‌شود قمار و این قدر متیقن است و در این اختلافی نیست؛ یعنی حتی کسانی که دامنه قمار را توسعه داده‌اند، این را مصداق قمار می‌دانند. بعضی‌ها وقتی وثیقه هم نباشد آن را قمار می‌دانند و حکم به حرمت می‌کنند؛ بعضی‌ها می‌گویند اگر وثیقه نباشد این قمار نیست. ما بر همین عنصر مورد قبول و اتفاق همگان تمرکز می‌کنیم؛ آیا واقعاً استخراج رمز ارز یا معدن کاوی برای بدست آوردن رمز ارز به منظور دریافت جایزه که به ازاء حل آن معادله پیچیده ریاضی پرداخت می‌شود، این قمار است؟

اولاً: کاری که مستخرجین انجام می‌دهند، بازی نیست؛ بازی یک معنا و مفهوم خاصی دارد. بالاخره بازی یعنی اینکه انسان به هدف سرگرمی و بدون هیچ غرض خاصی کاری را انجام دهد و تلاش او هیچ ثمره و نتیجه عینی نداشته باشد؛ این معنای بازی است. کسی که استخراج رمز ارز می‌کند، آیا واقعاً بازی می‌کند؟ از نظر عرفی اصلاً کسی اینها را به عنوان بازیگر می‌شناسد و می‌گوید اینها دارند بازی می‌کنند؟ الان در دنیا قمارخانه‌های خیلی مدرن و دستگاه‌های عجیب و غریب وجود دارد که عده‌ای عمرشان را آنجا صرف می‌کنند که حالا یا پولدار می‌شوند یا بی‌پول، عرف کار آنها را بازی قمار می‌داند. اما از نظر عرف، کسی که با این دستگاه‌ها به حل معادلات ریاضی می‌پردازد، این را بازی می‌داند؟ اساساً عنوان بازی بر این کار صدق نمی‌کند؛ چون آنچه با این تلاش‌ها بدست می‌آید، در واقع حل یک معماست که ثمره عملی هم دارد، بدین معنا که باعث امنیت بیشتر آن شبکه می‌شود. یعنی هر چه این کارها صورت بگیرد، امنیت شبکه مربوطه را قوی‌تر می‌کند. پس عنوان بازی در اینجا صدق نمی‌کند.

ثانیاً: اینجا غالب و مغلوب و برنده و بازنده ندارد؛ کاری که اینجا صورت می‌گیرد، در واقع حل یک معمای پیچیده است. کسی که این معما را حل کند نمی‌گویند برنده شد، می‌گویند زودتر از دیگران حل کرد؛ او زودتر از دیگران به پاسخ دست یافت. اینکه کسی زودتر به پاسخ دست پیدا کند، طبیعتاً نمی‌گویند برنده. مثلاً در جعاله، کسی که می‌گوید هر کسی عبد گمشده مرا

۱. مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۳۶۸.

پیدا کند فلان مبلغ به او می‌دهم، آنجا برد و باخت در کار است؟ بله، جایزه هست برای کسی که زودتر آن کار را به سرانجام برساند؛ ولی نمی‌گویند اینجا برنده شد یا دیگران که نتوانستند بدست بیاورند، اینها بازنده شدند. رقابت وجود دارد؛ جمع فراوانی در دنیا رقابت می‌کنند برای پیدا کردن پاسخ، مثل رقابتی که برای ورود به دانشگاه در کنکور صورت می‌گیرد. آیا کسی اسم آن رقابت را بازی می‌گذارد؟ غالب و مغلوب می‌گذارد؟ یا اینکه رقابت چند نفر است برای کسب یک عنوان یا جایگاه یا ورود به جایی مثلاً، با توجه به محدودیتی که دارد، اینجا بحث برنده و بازنده نیست. این امکان برای یکی فراهم می‌شود و برای دیگری فراهم نمی‌شود. لذا مسأله برد و باخت هم اینجا به هیچ وجه مطرح نیست؛ برنده و بازنده‌ای وجود ندارد.

ثالثاً: آن چیزی که به عنوان جایزه داده می‌شود وثیقه و گرو نیست. کسی که معادله را حل می‌کند، حل معادله مساوی با خود آن رمز ارز است؛ یعنی حل معادله به معنای تولید رمز ارز است. پیچیده بودن و سخت بودن این معادله به نحوی است که هر کسی نمی‌تواند این کار را بکند، هر کسی نمی‌تواند به آن دست پیدا کند. اینطور نیست که از قبل چیزی را کنار گذاشته باشند و بگویند این پول یا مال را کنار می‌گذاریم، هر کسی که این معادله را حل کرد، آن وثیقه یا پول یا مال را به او می‌دهیم. فرآیند استخراج رمز ارز به گونه‌ای است که خود حل معادله پیچیده‌ای که مطرح شده، مساوی با تولید رمز ارز است؛ این را که حل می‌کند، رمز ارز تولید می‌شود. درست است یک سقف و محدودیتی دارد، ولی وثیقه و مالی کنار نگذاشته‌اند که هر کسی برنده شد به او بدهند. آن چیزی که هست، تولید به وسیله حل این معماست.

پس ما هر چه دقت می‌کنیم می‌بینیم مؤلفه‌های تشکیل دهنده عنوان قمار در مورد استخراج رمز ارز وجود ندارد. تعاریف را ملاحظه فرمودید؛ علی‌رغم اختلاف انظار، این بر رمز ارز صدق نمی‌کند. اینکه بعضی از آقایان می‌گویند این قمار است چون ممکن است نتیجه بدهد و ممکن است نتیجه ندهد، ممکن آن یقع و ممکن آن لا یقع، اینکه قمار نیست. ریسک داشتن، خطر داشتن به معنای ریسک، خطر خیلی جاها به معنای ریسک است و نه به معنای خطری که در ذهن ماست؛ در اصطلاح فقهی خیلی جاها خطر را که به کار می‌برند، به معنای ریسک است. اینکه جزء مقومات قمار نیست. خیلی چیزهاست که ممکن آن یقع و ممکن آن لا یقع. در همان جعاله که مثال زدیم، کسی که اعلام می‌کند اگر عبد من را پیدا کنید فلان مقدار می‌دهم، دهها نفر راه می‌افتند که عبد را پیدا کنند و هزینه هم می‌کنند؛ بالاخره یک نفر از اینها به عبد می‌رسد؛ مگر اینجا ریسک و شانس نیست؟ پس صرف اینکه ممکن آن یقع و ممکن آن لا یقع، این نمی‌تواند دلیل بر قمار بودن باشد.

پس نتیجه اینکه مسأله قمار و صدق این عنوان وجود ندارد و لذا صغری مخدوش است و این دلیل هم نمی‌تواند حرمت را اثبات کند.

«والحمد لله رب العالمین»